

# آسیب‌شناسی اعتماد اجتماعی در

## خودرو نوشته‌ها

دکتر فرهاد دیوسالار\*

### چکیده

شعر، زبان حالات گوناگون بشر و بهترین وسیله ابراز احساسات است. همچنین بیان‌کننده سطح فکر، شخصیت، میزان اعتقادات و یا حتی طبقه اجتماعی فرد می‌باشد. چندانکه می‌توان از ابیاتی که شخص بر زبان می‌آورد به شرایط روحی او در آن لحظه پی برد. انسان در لحظات شادی ابیاتی نشاط‌انگیز بر زبان می‌راند و خرسندی خویش را ابراز می‌کند و در لحظات اندوه و غم ابیات حزن‌انگیز که بیانگر اندوه و غم اوست. این حرکت، در واقع نوعی تخلیه انرژی مثبت یا منفی است و به صورت یک کنش طبیعی در اغلب افراد اجتماع دیده می‌شود. از جمله این افراد، صاحبان مرکب‌های آهنین هستند که از دل نوشته‌های آنان به ادبیات جاده‌ای، ماشین‌نوشته، خودرونوشته، ادبیات بیابانی و غیره تعبیر می‌شود. خودرونوشته‌ها قطعاً بخشی از فرهنگ عامه و فولکلوریک هستند که با مطالعه آنها می‌توان بخش قابل توجهی از فرهنگ توده مردم را شناخت. صاحب ماشین برای بیان اندیشه‌ها و احساسات خویش از این اشعار بهره گرفته و از اتومبیل، به عنوان ابزار انتقال پیام استفاده می‌کند. او از قید و بند قالب‌ها رها شده و با مخاطب عام در قالب نوشته‌هایی که ریشه در آداب و رسوم و سنت‌ها و عقاید دارد، ارتباط برقرار می‌کند. گاهی در این میان شعرهایی با مفاهیم اخلاقی است که از طریق آن به مسافران جاده‌ها چیزهای زیادی به عنوان نصیحت و نکته‌های اخلاقی می‌آموزند. و طبیعتاً تأثیرگذاری آن بیشتر و عمیق‌تر است؛ چون تلخی موجود در پندها و نصیحت‌ها را ندارد؛ از شکل نصیحت خارج شده و به نوعی به ادبیات اخلاقی تبدیل می‌شود.

مقاله حاضر پژوهشی در شناخت آسیب‌شناسی اعتماد اجتماعی در لابلای خودرونوشته‌ها است که عدم توجه به آن از مهم‌ترین عوامل اختلال در سقوط شخصیت والای انسانی و سبب بی‌اعتمادی در جامعه است. در این مقاله مؤلفه‌های بنیادین و اساسی موجود و قابل استخراج در این اشعار بررسی و بیان می‌شوند. از قبیل: خودبینی، حسادت، پرهیز از معاشرت با افراد بد، پیمان‌شکنی، عیب‌بینی، مردم‌آزاری و غیره.

### واژه‌های کلیدی

ادبیات جاده‌ای، خودرونوشته، ادبیات اخلاقی، فرهنگ عامه، بی‌اعتمادی.

\* دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، گروه زبان و ادبیات عرب، ایران، کرج.

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۵

## مقدمه

فولکلور (Folklore) یک واژه انگلیسی است که از دو بخش Folk و lore به معنی دانش عامه یا فرهنگ عوام و در مقابل دانش و فرهنگ کلاسیک به کار برده می‌شود. واژه فوق از کلمه آلمانی folka به معنی مردم، جمعیت و یا ارتش مشتق شده است (European Roots – Calvert Watkins, The American Heritage Dictionary of Indo).

شروع فرهنگ عامه یا همان فولکلوریک، در حقیقت همزمان با نشو و نما و تاریخ تکامل انسان است و تاریخ معینی برای آن نمی‌توان در نظر گرفت. این واژه اولین بار توسط ویلیام تامز<sup>۱</sup> در سال ۱۸۴۶ در مجله London JournalAthenaeum مطرح شد (Georges, Robert A., "Folkloristics: An Introduction", 1995).

فولکلور با تمام زوایای زندگی انسان سر و کار دارد و خمیرمایه همه فرهنگ‌ها است، زمان و مکان نمی‌شناسد. در تمام جوامع فولکلوریک وجود خواهد داشت و مثل رنگ‌ها که دارای طیف‌های مختلفی هستند، بی‌نهایت طیف دارد که ضمن تفاوت با هم از یک منشأ می‌باشند. در جامعه‌های کمتر توسعه یافته، فولکلوریک پر رنگ‌تر و در جامعه‌های توسعه یافته، کم رنگ‌تر است. ادبیات فولکلور از آن دسته ساخت‌های ادبی هستند که از درونی‌ترین لایه‌های جوامع ریشه می‌گیرند. بدیهی است آن‌گاه می‌توان این جلوه‌های شعری را تجلیات فرهنگ جامعه دانست که هیچ اجبار یا تشویق خاصی در وادار نمودن اشخاص در به کارگیری آنها وجود نداشته باشد و افراد داوطلبانه نسبت به استعمال آنها اقدام بنمایند.

فولکلور در قالب‌های زیادی تبلور می‌شود از قبیل: ترانه، ادبیات، باورها، افسانه، ضرب‌المثل، لطیفه، حکایات و غیره (همان، ص ۳۱۳). فولکلوریک هر قوم را عامه همان قوم به وجود آورده‌اند و هیچ‌گاه به نام شخص خاصی به ثبت نرسیده است هر چند ممکن است نقش افراد خاصی در تبلور بعضی باورها پر رنگ‌تر بوده باشد؛ اما این توده مردم بوده‌اند که باور را طوری تنظیم کرده‌اند که خود بهتر آن را درک کنند. اصولاً فولکلوریک سینه به سینه منتقل شده و به طور سیال در جامعه به جریان می‌افتد و در گذار به آینده، صیقلی یافته و دچار تغییراتی می‌شود؛ اما نه تغییراتی که به ذاتش لطمه بزند.

1- William Thoms

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۵

نوشته‌هایی که بر بدنه، گلگیر، آینه بغل و پشت خودروها مشاهده می‌شود، به خودرو نوشته، ماشین نوشته، ادبیات بیابانی و ادبیات جاده‌ای نامگذاری شده است که از ادبیات عامه محسوب می‌شود. این دل‌نوشته‌ها، در حقیقت چکیده‌ای از عصاره تجربه‌ها، گوشه‌ای از باورها و اعتقادات و یا بخشی از آمال و آرزوهای صاحبانشان هستند که در برابر دیدگان قرار می‌گیرند. نکته مهمی که از این نوشته‌ها به لحاظ روان‌شناختی به ذهن متبادر می‌شود، ارتباطش با باور، اعتقاد، ذوق و سلیقه، اندیشه، سن، زادگاه و علایق راکب آن مرکب است. اینها در حقیقت دل‌نوشته‌های پدیدآورندگان آن یعنی همان شوفرهای دیروزی و رانندگان امروزی است. پیام‌های نهفته در دل این نوشته‌ها، گاهی اشک به چشم می‌آورد و گاهی بواسطه آن لبخند بر لب. نقش می‌بندد. خودرو نوشته‌ها در اصل نوعی ادبیات دوره‌گرد هستند که در فرهنگ رانندگان ایرانی، از جایگاه والا و ممتازی برخوردار می‌باشد و برخی از این نوشته‌ها بسیار ابتکاری و خلاقانه است.

خودرو نوشته‌ها به طور قطع بخشی از فرهنگ عامه هستند که با مطالعه آنها می‌توان بخش قابل توجهی از فرهنگ توده مردم را شناخت. صاحب ماشین برای بیان اندیشه‌ها و احساسات خویش از آن بهره می‌گیرد و از اتومبیل در اینجا، به عنوان ابزار انتقال پیام استفاده می‌کند. این وسیله به عنوان یک واسطه میان راننده و مخاطبش که می‌تواند مسافر و یا راننده دیگری باشد، عمل می‌کند. در این میان، راننده برای تأثیرگذاری بیشتر در حقیقت از زبان مردم پسند استفاده می‌کند. او در بیان این نوشته‌ها، از قید و بند قالب‌ها رها شده و با مخاطب عام در قالب نوشته‌هایی که ریشه در آداب و رسوم و سنت‌ها و عقاید دارد، ارتباط برقرار می‌کند. پس این نوع از ادبیات، در مباحث فولکلوریک یا دانش عامه جای می‌گیرد که مختص طبقه‌ای خاص - رانندگان - است.

این نوشته‌ها می‌تواند در غربت و تنهایی جاده، به صاحبانش آرامش بخشد. این فرهنگ بوی قدیم را می‌دهد، از دل برآمده و لاجرم بر دل هم می‌نشیند. فرهنگ ماشین، ماشینی نیست؛ فرهنگ دل است. البته در برخی موارد، در اشعار به کار گرفته شده از بزرگان تغییراتی صورت گرفته، و کم و زیاد می‌شود. شعرهای شاعران گمنام هم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. البته ناگفته نماند که ضرب‌المثل‌ها، ترانه‌های فارسی و معروف هم در ادبیات جاده‌ای دارای بسامد

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۵

بالایی هستند. گاهی هم در این میان شعرهایی با مفاهیم اخلاقی است که بر ماشین‌ها خودنمایی می‌کند و از طریق آن به مسافران جاده‌ها چیزهای زیادی به عنوان نصیحت و نکته‌های اخلاقی می‌آموزند و طبیعتاً تأثیرگذاری آن بیشتر و عمیق‌تر است؛ چون آموزش از این طریق، آموزشی بی‌واسطه و غیر مستقیم بوده و آن تلخی موجود در پندها و نصیحت‌ها را ندارد؛ چرا که این ابیات از شکل نصیحت خارج شده و به نوعی به ادبیاتی اخلاقی تبدیل شده است.

از ویژگی‌های بارز ادبیات جاده‌ای بریده بودن مطالب است، یعنی برشی از یک مجموعه به صورت تک نوشته می‌آید که در برخی موارد همین عامل، یافتن بار معنایی را دشوار می‌کند. این نوشته‌ها علاوه بر شناساندن روحیه، طرز فکر، ذوق و سلیقه و ابتکار رانندگان، بیانگر دردها و رنج‌های نهفته در درون جامعه نیز هستند. در بعضی نوشته‌ها، غم و اندوه حاصل از جدایی و غربت، ترس و دلهره، اضطراب و نگرانی از آینده‌ای نامعلوم، یأس و نوامیدی، راه بی‌بازگشت و در واقع خود را به تقدیر سپردن دیده می‌شود. همچنین در لابلای آنها روحیه جوانمردی و گذشت و بسیاری مضامین دیگر چون: عشق و ناکامی، توکل و دعا، التماس و شفاعت، به چشم می‌خورد. دوری از خانه و وطن و سختی کار در جاده‌های پرحادثه و پرخطر، راننده را مضطرب کرده و در نتیجه برای رفع آن از سر اضطراب به نیرویی قویتر و متفاوت پناه می‌برد. به همین دلیل آیات قرآنی، نوشته‌های مذهبی و دینی در این نوشته‌ها که به نوعی نشان از حضور گفتمان تقدیری در جامعه را داراست، فراوان یافت می‌شود. این نوشته‌ها ضمن این که از اضطراب می‌کاهند، به آرامش خاطر رانندگان نیز می‌افزایند؛ چرا که در آن نیروی ایمان، اعتماد، توکل به خداوند متعال و توسل به امامان و بزرگان می‌باشد.

یکی از مهم‌ترین و زیباترین مضامین و درونمایه‌های این نوشته‌ها، توجه زیاد صاحبان آنها به اخلاقیات است که از بسامد بسیار بالایی برخوردار است. نتیجه مهمی که از این میان می‌توان گرفت، باور آنان به این مهم است که تضعیف هنجارهای اخلاقی و اعتماد اجتماعی، یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی قلمداد می‌شود.

انسان، موجودی اجتماعی است و برای زندگی در جامعه، نیاز به ارتباط با افراد دیگر

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۵

دارد. امروزه در همه جوامع اعم از توسعه یافته و یا در حال توسعه، شاهد گسترش ارتباطات هستیم. با توجه به فواصل زمانی و مکانی، و اینکه توسعه ارتباطات این فواصل را در نوردیده و به افراد، گروه‌ها، و سازمان‌های مختلف، امکان برقراری روابط متقابل را می‌دهد، لزوم وجود اعتماد، بیش از پیش احساس می‌شود.

اعتماد، یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و زمینه‌ساز همکاری و تعامل میان اعضای جامعه است. اعتماد اجتماعی؛ مفهومی راه‌گشا در پیشروی به سوی توسعه و پیشرفت است افزون بر این، اعتماد از شاخصه‌های مهم در جامعه تلقی می‌شود و کاهش آن می‌تواند زمینه را برای رشد نابسامانی‌ها، بی‌نظمی‌ها و رشد جرایم و انحرافات در جامعه فراهم سازد. اعتماد را می‌توان داشتن دید مثبت و حسن ظن در باره افراد جامعه دانست به نحوی که این حسن ظن و دید مثبت، سبب تسهیل روابط اجتماعی شوند. اعتماد لازمه شکل‌گیری پیوندها و معاهدات میان افراد جامعه است.

### اعتماد اجتماعی و پیامدهای بی‌اعتمادی

اعتماد اجتماعی، واقعیتی اجتماعی - فرهنگی است که ریشه در زمینه‌ها و تجارب اجتماعی - تاریخی یک جامعه دارد. آن‌گاه که در جامعه فرهنگ اعتماد ظهور یابد و در نظام هنجاری جامعه ریشه دواند، تبدیل به عاملی قدرتمند می‌شود که آثار و کارکردهای زیادی را در سطوح مختلف جامعه از خود بر جای می‌گذارد. بدون اعتماد، زندگی روزمره به سادگی امکان‌پذیر نیست و به روزمرگی تبدیل می‌شود.

از نقطه نظر سلیگمن<sup>۱</sup> اعتماد یک مؤلفه و شاخصه ضروری در روابط مستمر اجتماعی است (The problem of Trust, p, 13, Press 1998). حتی می‌توان چنین ادعا کرد که اعتماد یک عمل اجتماعی است و همانند هوایی که تنفس می‌کنیم یا آبی که می‌نوشیم، باید آن را حفظ کرد. وقتی اعتماد ما در خطر باشد، انسجام کلی اعتماد جامعه لطمه خواهد دید. وقتی اعتماد از بین برود، پایه‌های کل جامعه سست شده و فرو خواهد ریخت. داسگوتا آن را تسهیل‌کننده مشارکت اجتماعی می‌داند (همان، ص ۴۹). به طور کلی، بی‌اعتمادی به کاهش

1- Seligman

فعالیت‌های اجتماعی، انزوا، و اقدامات نامطلوب احتیاطی منجر می‌شود. از طرف دیگر، بی‌اعتمادی باعث فرسایش سرمایه اجتماعی گردیده و به انزوا کشاندن، گسسته شدن پیوندها، و از بین رفتن شبکه روابط بین فردی می‌انجامد. در چنین وضعیتی، مرزبندی‌های اجتماعی زمینه را برای فردگرایی خودخواهانه فراهم می‌کنند که مخل وفاق و نظم اجتماعی است.

اعتمادسازی اجتماعی می‌تواند به عنوان دارویی شفابخش برای درمان بسیاری از بیماری‌های اجتماعی در هر جامعه‌ای عمل کند و آن را در جهت به سلامت پشت سر گذاشتن دوران گذرو نفاقت که هر جامعه‌ای ممکن است به آن مبتلا شود، کمک نموده و آینده را به کام افراد آن شیرین نماید. با اعتماد، روابط اجتماعی محکم و صلح‌آمیز حفظ می‌شود، که اینها به نوبه خود، پایه و اساس رفتارهای جمعی و همکاری‌های سازنده است. هرچند اعتماد با مخاطره همراه است، اما جهان را به جایی خوشایندتر، کارآمدتر، و صلح‌آمیزتر برای زندگی تبدیل می‌کند. زندگی اجتماعی بدون اعتماد غیر قابل تحمل و حتی شاید، غیرممکن است. از دیدگاه بارباlet<sup>۱</sup> اعتماد پایه عاطفی و احساسی مشارکت است (Social emotions: confidence, trust and loyalty, p77).

بی‌اعتمادی، پدیده‌ای روان‌شناختی است که فرد اطمینان و اعتماد به خود را از دست می‌دهد و خود را ناتوان می‌بیند. این روند از نقطه نظر کلان به بی‌اعتمادی در سطوح ملی می‌رسد. پدیده بی‌اعتمادی توان حرکت و خلاقیت را از شخص سلب کرده و او را به موجودی بی‌تحرك و خنثی تبدیل می‌کند. بحران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در سطح جامعه و فراگیر شدن آن باعث بی‌اعتمادی افراد می‌شود و همچنین موجب سلب اعتماد افراد نسبت به همدیگر و مجموعه آنها نسبت به جامعه می‌شود و اتحاد و پیوستگی ملی به قیمت کسب امنیت فردی به خطر جدی می‌افتد، شدت چنین وضعیتی نزول معیارهای اخلاقی فرد و نادیده گرفتن معیارهای جمعی و در نهایت تجاوز به حقوق دیگران را در پی خواهد داشت. به این خاطر، دغدغه تنزل روابط اجتماعی از جمله موضوعاتی است که توجه جدی می‌طلبد.

آنچه باید مورد توجه قرار گیرد این است که از کارکرد اجتماعی ادبیات و بخصوص شعر و همچنین نقش و جایگاهی که آن در میان لایه‌های مختلف اجتماع دارد، غافل نماند؛

1- Barbalet

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۵

چرا که حکایت از پیوندی گسست‌ناپذیر با زندگی روزمره بشر دارد.

صداقت و تعهد کاری از ارزش‌های پسندیده‌ای است که مقبول تمامی فرهنگ‌های انسانی بوده و هست. و تمامی صاحب نظران تعلیم و تربیت از اعصار گذشته تا کنون بر گسترش آن در نهادهای اجتماعی تأکید داشته و دارند و از مؤلفه‌های تعیین‌کننده جو مثبت و ایجاد مناسبات صحیح در جوامع انسانی است. اگر وجود این ارزش‌های پسندیده اخلاقی در جوامع انسانی نادیده گرفته شود، تهدید واقعی و زیان‌بار برای جامعه است که به تبع آن و با مرور زمان اعتبار اجتماعی کاهش می‌ابد و در میان افراد حس بی‌اعتمادی ریشه می‌دواند؛ تا جایی که سبب گسست اجتماعی و شکست کل جامعه خواهد شد.

در زیر به چند نمونه از خصوصیت‌های اخلاقی منفی و رذائل اشاره می‌شود که تأثیر منفی بر اخلاقیات می‌گذارند. اخلاقیات، از سامانه‌های اصلی و مهم در ارتقاء مناسبات انسانی بخصوص در جوامع می‌باشد و باعث تعادل و تسهیل ارتباطات سطوح مختلف در جامعه بوده و در ارتقا و تکامل جامعه نقشی سازنده و بسزا دارد. این موارد، مؤلفه‌هایی هستند که در یک اجتماع اخلاقی باید مد نظر قرار گیرند. رعایت و توجه به این شاخصه‌ها باعث به وجود آمدن اعتماد فردی و به تبع آن اعتماد اجتماعی خواهد شد. اما به حکم «مشت نمونه خروار است» و «در خانه اگر کس است یک حرف بس است» به همین مختصر که از لابلاهای خودرو نوشته‌ها استخراج شده، و از بسامد بیشتری نسبت به بقیه برخوردار است، بسنده می‌کنیم. امیدواریم که بیان‌کننده پاره‌ای از محتوای غنی و پر بار این نوشته‌ها که جزئی از فرهنگ و ادبیات این مرزو بوم هست، باشد. این بر خلاف عقیده عده‌ای است که معتقدند ادبیات عامه، آلوده‌کننده زبان و مضر برای ادبیات کلاسیک و فرهنگ می‌باشد.

### مؤلفه‌های بی‌اعتمادی از نقطه نظر صاحبان خودرو نوشته‌ها

در این بخش مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که زمینه‌ساز بی‌اعتمادی در یک جامعه می‌شوند، بیان می‌گردد:

#### - یأس و نومیدی و احساس پوچی

این مؤلفه نتیجه کج‌فهمی و بدفهمی دنیا، درماندگی در نتیجه عدم کوشش و تلاش و

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۵

نداشتن جهان‌بینی درست است که سبب پیدایش دلزدگی و احتیاط در روابط اجتماعی میان افراد جامعه می‌شود. فرجام چنین شرایطی؛ ناپایداری روابط و کاهش اعتماد اجتماعی در میان افراد است. این در حالی است که بنا بر فرموده قرآن «لا ییأس من روح الله إلا الکافرون»

### - گذشته تلخ آینده نامعلوم

افسوس همه‌اش افسانه بود!

گشتم نبود ... نگرد ... نیست. !!!

زندگی نگه دار! پیاده می‌شم

وقتی حقیقت آزادی است آزادی حقیقت ندارد

کسی که درک درستی از جهان هستی و فلسفه خلقت نداشته باشد، به افکار پوچ و نیهیلیستی کشانده می‌شود که هم خود در مسیر اشتباه می‌افتد و هم افراد جامعه را می‌لغزاند.

کف بی‌مغز هرگز در دل دریا نمی‌ماند

دنیای همه هیچ و زندگانی همه هیچ

در جستجوی ناکجاآباد

ای دل غمین مباش شد شد، نشد نشد

عاقبت خاک گل کوزه‌گران خواهی شد

### - جهل و نادانی

یکی از مهم‌ترین آسیب‌های شخصیت آدمی است که در روابط سالم اجتماعی موجود در جامعه خدشه وارد می‌کند. در مقابل آن علم و دانش است که از عوامل مهم سازنده جامعه انسانی و پیشرفت انسانی است. با علم و دانش است که انسان می‌تواند هدف زندگی خود را دریابد.

پشت یک تریلی نوشته بود: عاقبت فرار از مدرسه!

به نادانی در افتادم در این دام!

کسی ننگ دارد زآموختن که از ننگ نادانی آگاه نیست

اونکه به مکتب نرفت بی‌سواد بود

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۵



حسنی به مکتب نمی‌رفت باباش گذاشتش کمک شوفری  
در سیه چال زمین با جهل نتوان زیستن  
گاهی این نوشته‌ها حکایت از هنجارها و ساز و کارهای اخلاقی دارند که به فساد و تباهی  
کشیده شده‌اند. در چنین شرایطی دلگیرشده و ناله سر می‌دهد و به دنبال وضع مطلوب و  
آرمان‌خواهی است که:

فلک به مردم نادان دهد زمام مراد تو اهل فضلی و دانش همین گناهت بس  
نادان بر مرکب مراد سوار و دانا به جرم دانایی لگد مال می‌شود. گاهی جامعه چنان در  
مشکلات غرق شده و به سمت و سوی سوق داده می‌شود که نمی‌توان جز به نان شب  
جگرگوشگان خود به چیز دیگری اندیشد.

### - حرص و طمع

آزمندی و حرص از صفات زشت و نکوهیده انسانی است که بسیار از آن نهی شده  
است. تهانوی در کشف اصطلاحات الفنون گوید: «نزد سالکان ضد قناعت است. حرص  
خواستار شدن زوال نعمت غیر باشد و برخی گفته‌اند: خواستار بودن نعمت و رزق غیر مقسوم  
است» (دهخدا، لغتنامه، ماده حرص). حرص سبب در رنج افتادن است:

هر که را حرص بیش محنت بیشتر  
حرص موری است که در زیر زمین می‌باید  
گر نبودی طمع نیفتادی از بهشت برین برون آدم  
از تنگی چشم فیل معلوم شده  
آنان که غنی ترند محتاج‌ترند  
کسی که حریص نباشد نگران چیزی هم نیست و به زحمت و دردسر نمی‌افتد:  
ماهی لب بسته را اندیشه قلاب نیست  
امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

لا تخرِصن فالحِرسُ یزری بالفتی و یذهبُ الرِونقُ منْ بهجتِه (الهاشمی، ۱۳۴۱: ۶۸۱)

صالح بن عبد القدوس گوید:  
لا تخرِصن فالحِرسُ لیسَ بزائد فی الرِزقِ بلْ یشقی الحریصَ و یتعبُ (همان، ص ۶۶۹)

نتیجه حرص و طمع این است که انسان را محتاج و نیازمند کرده، خاک مذلت و خواری را بر دامنش می‌نشانند. پس با علو طبع و قناعت باید آن را چاره نمود، چرا که هیچ عزتی بالاتر از قناعت نیست:

أفادتني القناعة كلَّ عَزٍّ و هلَّ عَزَّ أعزَّ من القناعة (همان، ص ۷۲۱)

امام علی علیه السلام بی‌نیازی را قناعت دانسته، می‌فرماید:

و أفنَّعُ بقوتِكَ فالقنَاعُ هو الغنى و الفقرُ مقرونٌ بمن لا يقنَعُ (همان، ص ۶۶۱)

آب رادیاتور ماشین بخور محتاج نامردان نباش!

ما آبروی فقر و قناعت نمی‌بریم با پادشه بگوی که روزی مقدر است

قناعت توانگر کند مرد را

آنکه شیری را کند روبه مزاج احتیاج است احتیاج است احتیاج

خدایا مده احتیاجم به هر ناکسی ذلیم مکن بر در هر خسی

### - حسادت

حسادت منشأ پیدایش بسیاری از بدی‌ها و ضرر و زیان‌ها است که باعث از هم گسیختگی تاروپود روابط اجتماعی است. این صفت زشت، ناشی از عقده حقارت و خودکم‌بینی در شخصیت فرد است که باعث ایجاد بی‌اعتمادی در روابط سالم حاکم بر جامعه است. حسادت مانع پیشرفت خود شخص و دیگران می‌شود که شخص را به دام خودخواهی می‌کشاند و نتیجه‌ای جز ضرر و زیان به همراه ندارد.

الحسود لا يسود

چشم حسود کور بشه الهی

از حسد جز ضرر نمی‌آید

حسود بخیل نعمت حق!

حسود را چه کنم که خود به رنج است

حسود همانند آتشی است که اگر چیزی برای خوردن نیابد، خودخوری می‌کند:

أصبرُ علی کید الحسود فإنَّ صبرک قاتله کالنار تأکل نفسها إن لم تجلِّ ما تأکله

(جواهرالأدب، ص ۷۲۱)

❖ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۵

أيا حاسداً لي علي نعمتي أتدري علي من أسأت الأدب  
أسأت علي الله في حُكمه لأنك لم ترض لي ما وهب (همان)

### - خودبینی، خودپسندی و غرور

گاهی خودخواهی و خود برتر بینی، اختلافات بزرگ و موانع سختی را در ارتباط میان افراد جامعه ایجاد می‌کند. انسان عادت دارد و می‌خواهد بزرگی و تسلط خود را بر دیگری ثابت کند. نتیجه این عمل افسرده و غمگین شدن دیگران و ناراحت و خشمگین کردن خود می‌باشد. در صورتی که دین ریشه همه این مسائل را وسوسه شیطانی می‌داند که چیزی جز غرور و خودخواهی نیست. عجب و غرور یک ویژگی شیطانی و اهریمنی است که موجب دشمنی و عداوت و کینه‌توزی در جامعه می‌شود.

هرگز نخورد آب زمینی که بلند است

کوه از بالا نشینی رتبه‌ای پیدا نکرد جاده از افتادگی از کوه بالا می‌رود!  
گدایان بهر روزی طفل خود را کور می‌خواهند طیبیان جملگی خلق را رنجور می‌خواهند!  
تمام مرده شویان راضیند بر مردن مردم بنامز مطربان را که خلق را مسرور می‌خواهند  
درین درگه که گه‌گه که‌گه و که‌گه شود ناگه نشو غره به امروزت که از فردا نه‌ای آگه

مرد باید که هر کجا باشد عزت خویشتن نگه دارد

خودپسندی و ابلهی نکند هر چه کبر و منیست بگذارد

مشو خودبین که آن باشد هلاکت

در نفس خودبین مباش و در جمع بدبین

### - خیانت

خیانت به هر شکلی، از صفات بسیار زشت و ذمیمه انسانی است که از طرف هر دین و شریعتی و هر فرد و ملتی بسیار ناپسند است. توجه دادن به این رذیلت در این نوشته‌ها از بسآمد بالایی برخوردار است.

هر کجا محرم شدی چشم از خیانت بازدار چه بسا محرم که با یک نقطه مجرم می‌شود

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۵

دل‌مو دادم بری باه‌اش حال کنی نکه بری جیگرکی بازکنی  
چو محرم شدی خانه دوست نگه دار ناموس و دست و زبان  
دلبراً دل به تو دادم که به من دل بدهی دل ندادم که به من ساندویچ و دل‌مه دهی  
احیاناً ثمره خیانت را در این نوشته‌ها می‌بینیم که حاکی از این است صاحب آن  
مارگزیده‌ای باشد:

دست بزن ولی خیانت مکن  
من از عقرب نمی‌ترسم ولی از سوسک می‌ترسم من از دشمن نمی‌ترسم ولی از دوست  
می‌ترسم  
رفاقت قصه تلخی است که از یادش گریزانم.

### – درنده‌خویی و گرگ صفتی انسان

در روابط انسانی و اجتماعی ارتباط میان انسان‌ها نه بر مبنای معیارهای ظاهری، بلکه بر اساس شاخصه‌های والای معنوی باید صورت پذیرفته و مسائل اخلاقی باید مد نظر قرار گیرد که افراد در ارتباط با یکدیگر و در مناسبات اجتماعی با آن روبه‌رو می‌شوند. همچنین با توجه به ناپایداری دنیا و شناخت هستی، می‌توان راهی در برابر جریانات اجتماعی، خلق و خویهای متفاوت آدمی و تفاوت‌های فردی پیدا نمود تا بتوان دل‌ها را به هم نزدیک و پیوند میان آنها را مستحکم ساخت و جلوی بیرحمی‌های عده‌ای را که به جان هم افتاده‌اند، گرفت. به قول شاعر عرب:

هم الذناب التي تحت الثياب فلا تكُنْ إلى أحد منهم بمؤتمنٍ

این انسان‌ها گرگ‌هایی در زیر لباس انسانی هستند که قابل اعتماد نیستند. البته گرگ‌ها از این که گوشت همجنس خود را بخورند، اکراه دارند؛ ولی انسان‌های گرگ صفت به راحتی یکدیگر را پاره پاره می‌کنند:

يعافُ الذئبُ أن يأكلَ لحمَ ذئبٍ و يأكلُ بعضُنا بعضاً عياناً

هر چقدر انسان‌ها را بیشتر می‌شناسم، گرگ‌ها را بیشتر تحسین می‌کنم.  
گرگ همیشه گرسنه است.

عاقبت گرگ‌زاده گرگ شود

در این دنیا که مردانش عصا از کور می‌دزدند، من بیچاره دنبال مرد می‌گردم

### – دنیامداری و دنیاپرستی

یکی از مؤلفه‌های مهم آفات زندگی بشری است که می‌تواند منشأ ظلم، نابرابری و بی‌عدالتی، غرور و خودرایی، ایجاد شکاف و نفاق در روابط سالم میان اشخاص جامعه باشد البته این در زمانی است که دنیا و مافیها هدف زندگی قرار گیرد و انسان به آن دلبسته شود و فراموش کند که وسیله‌ای برای رسیدن به هدف است و گرنه در قرآن و احادیث بر آن جنبه تأکید شده است: لا تنس نصیبک من الدنیا، الدنیا مزرعه الآخره، لا معاد لمن لا معاش له.

دنیا و لذات آن غمخانه‌ای ناپایدار است:

السلام ای بعد ما آیندگان رفتنی بر شما خوش باشد این غمخانه ناماندنی

به دنیا دل میند که عروس هزار داماد است

وقتی به قول حافظ آرمگاه ابدی انسان مشت‌خاک است، افزونخواهی و دنیا‌مداری

جایز نیست:

هر که را خوابگه آخر به دو مشت‌خاک است گو چه حاجت که برافلاک کشی ایوان

را

حال که چنین است نباید به دنیا دل بست:

چون تو از دنیا چریدی او تو را خواهد چرید

مناز به زمانه که او کمرشکن است مناز به رنگ لباس که آخرش کفن است

تا کی غم دنیای دنی

در این دنیای بی‌حاصل چرا مغرور می‌گردی

سلیمان گر شوی آخر خوراک مور می‌گردی

زاده دنیا چو دنیا بی‌وفاست

سفله طبع است جهان بر کرمش تکیه مکن

### – ریا و تظاهرگرایی

ریا به معنی نمودن خلاف اعتقاد، خویشتن را به نیکی به خلق نمودن، انجام دادن کار نیک برای نمودن. نقش تخریبی ریا و تظاهرگرایی در روابط اجتماعی به خصوص در حوزه دینی و این نوشته‌ها بسیار مورد تأکید قرار گرفته است و از مؤلفه‌های مهم آسب‌زای شخصیت انسانی و باعث ایجاد بی‌اعتمادی اجتماعی است.

همه رنگی قشنگه جز دورنگی

همه عالم گرفت ننگ نفاق!

می خوری به گر ریا طاعت کنی

دختر از بهر عفت می‌کند چادر به سر      نامه را از زیر چادر می‌دهد دست پسر!  
غلام همت آن نازنینم      که کار خیر بی‌روی و ریا کرد

### – زن ستیزی نتیجه مسؤولیت نپذیری در اثر بی‌اعتمادی اجتماعی

دنیای مجرد با تمامی خوبی و بدی باعث می‌شود که شخص از پذیرفتن مسؤولیت اجتماعی که بر عهده اوست، سر باز زند. عامل مهم آن عدم شناخت شخص از محیط اطراف و قضاوت نادرست است که به خاطر تمام این مؤلفه‌های منفی، نوعی بی‌اعتمادی در او به وجود می‌آورد تا از تشکیل خانواده که اولین و اساسی‌ترین رکن مهم جامعه و مانع بسیاری از مشکلات است، طفره رود.

احتیاط کن! ازدواج نکن!!

ای جوان تا توانی زن مگیر طوق لعنتی است بر گردن مگیر

درخت مکر زن صد ریشه دارد      فلک از دست زن اندیشه دارد!

### – سرخوردگی، حسرت و کوتاه‌فکری

کاخ سعادت و خوشبختی انسان با تک‌تک آجرهایی که زندگی و کائنات در اختیار او قرار می‌دهد، بنا می‌شود. موقعیت‌های مناسب و شانس‌هایی برای هر کسی در زندگی پیش می‌آید که باید نهایت استفاده از آن را کرده و بهره لازم ببرد؛ ولی به هر دلیلی بدان توجه نمی‌نماید و برای این فرصت‌هایی که از دست داده و آرزوهایی که تحقق نیافته حسرت

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۵

می‌خورد. البته تحقق نیافتن آرزو به خاطر کوتاه‌فکری و نداشتن آینده‌نگری و استفاده بهینه از فرصت‌ها است. نتیجه این عمل به زحمت افتادن، سرشکستگی، التماس از هر کس و ناکس و بدفرجامی است. که باعث سرخوردگی و از دست رفتن اعتماد می‌شود و در سطح کلان با بی‌اعتمادی حاصل از آن به جامعه لطمه خواهد زد.

ای کاش زندگی هم دنده عقب داشت  
زندگی بر خلاف آرزوهایم گذشت  
دیگه دستاش توی دستام نیست  
جوانی را فنا کردم که جویم زندگانی  
نچستم زندگانی را فنا کردم جوانی  
امروز همان فردایی است که دیروز منتظرش بودی  
کوته نظر مباش در سنگ گوهر است  
آبها ۲/۳ عالم را فرا گرفته‌اند،  
ماهی قرمز! در حوض کوچک چه می‌کنی؟  
خنده می‌بینی ولی از گریه غافل  
جهان باشد دبستان و همه مردم دبستانی  
چرا باید شود طفلی ز روز امتحان غافل؟!  
احتیاط کن، التماس نکن!  
شاخه را مرغ چه داند که روزی قفس خواهد شد.  
هر که اول بنگرد پایان کار  
اندر آخر او نگردد شرمسار

### – ظلم و بدی کردن به دیگران

پیشرفت بشر وقتی مفید خواهد بود که نتیجه‌اش منفعت‌رسانی به تمام جوامع باشد و البته این منفعت جز در سایه اخلاق دینی و معنویت رخ نمی‌نماید. هنگامی تمدن مادی به نفع همگان و نه یک گروه خاص خواهد بود که در جهت عدالت و احترام به حقوق دیگران، جای گیرد. در غیر این صورت با خودبینی، به خود حق می‌دهد که نسبت به دیگران جفاکاری نموده و خوبی‌های آنان را با بدی جواب دهد، غافل از آنکه «هل جزاء الإحسان إلا الإحسان؟»  
کسانی که بد را پسندیده‌اند  
ندانم ز خوبی چه بد دیده‌اند؟

صد بار بدی کردی و دیدی ثمرش را      خوبی چه بدی داشت که یک بار نکردی  
من از بازوی خود دارم بسی شکر      که زور مردم آزاری ندارم

مکن هرگز ستم بر زیردستان

گر در خلد را کلیدی هست      بیش بخشیدن و کم آزاری ست  
خوشا کسی که از او هیچ بد به کس نرسد  
میازار موری که دانه کش است

انسان باید به حق خود قانع باشد و تجاوز و تعدی به حقوق دیگران نداشته باشد.  
همچنین بنا بر «ارحم، تُرحم» و «ارْحَمُ مَنْ فِي الْأَرْضِ لِيَرْحَمَكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ» باید از این  
عمل نکوهیده اجتناب نمود؛ چرا که آثار سوء آن برجا خواهد ماند و تأثیر زیادی در  
بی‌اعتمادی افراد جامعه خواهد گذاشت.

رود می‌رود اما ریگزارش میماند!

بدانجام رفت و بد پیشه کرد      هر آنکه با زیردست جفا پیشه کرد

#### – عهدشکنی و پیمان‌شکنی

بدقولی و زیر قول و قرار زدن، گسستن پیمان و نادیده گرفتن میثاق منعقدۀ از بارزترین  
نشانه‌های ستمگری است. وفای به عهد و پای‌بندی به پیمان از مقوله‌های فطری انسان است.  
در نگرش قرآنی نیز اولین خشت بنا و واسطه برقراری رابطه میان عاشق و معشوق و عابد و  
معبود، عهد و پیمان است: أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ. این مسأله در اندیشه این اشخاص از جایگاه  
والایی برخوردار است.

نباشد پسندیده پیمان شکن

من ندانستم از اول که تو بی‌مهر و وفایی

وفا به عهد نکو باشد

پرهیز کن از صحبت پیمان شکنان

جفا برگزیدی بجای وفا      وفا را جزا کی شنیدی جفا



### - عیب جویی

در این خصوص باید متذکر شد که هر چقدر نگاه عارفانه و دید زیباشناسانه باشد دیدن زیبایی‌ها و زیبا دیدن جامعه‌ای که افراد آن توفیق بیشتر در پرده‌برداری از حسن‌ها دارد توفیق بیشتری در عبادت خداوند دارد. به قول ایلیا ابوماضی شاعر پر آوازه لبنان:

الذی نفسه بغير جمال لا یری فی الوجود شیئا جمیلا

هو عبء علی الحیاء ثقیل من یظن الحیاء عبئا ثقیلا (قصیده فلسفه الحیاء، دیوان، ص ۱۱)  
این فرهنگ به عنوان سرمایه‌ای قابل توجه و به منزله آخرین و متکامل‌ترین وسیله ایجاد امنیت و تداوم زندگی است. عیب جویی همچنان که از این اشعار نیز بر می‌آید از مهم‌ترین عناصر ضعف و بی‌هنری خود انسان است که در ایجاد بی‌اعتمادی در جامعه از اهمیت بسزایی برخوردار است. چنان که شاعر گوید:

از هنر هر آن کس که عاری باشد او را چاره نیست غیر آن کو عیب بندد بر نکویان در

لباس

به قول امام شافعی:

و عینُ الرضا عن کلِّ عیبٍ کليلةٌ كما أنَّ عینَ السُّخطِ تبدی المساویا (الهاشمی، ۱۳۴۱:

۷۲۲)

عیب جویی مکن که جستن عیب آن کند کو هنر نمی‌داند

چشمت ز عیب کسان لختی بیاساید!

تو عیب کسان هیچ‌گونه مجوی که عیب آورد بر تو بر عیب‌جوی

کمال سر محبت بین نه نقص گناه که هر که بی‌هنر افتد نظر به عیب کند

عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت

عیب‌جویان از سکوت کس برون آرند عیب

### - غیبت و بهتان

غیبت یعنی پشت سر کسی بد گویی کردن، عیب کسی در قفای او گفتن که یک رفتار مذموم اخلاقی است. جرجانی در کتابش تعریفات گوید: غیبت یادکردن بدی‌های کسی در

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۵

غیاب اوست، به شرط آن که شخص دارای آن بدی‌ها باشد. در غیر این صورت بهتان است و اگر مواجهه گوید شتم است (لغت‌نامه دهخدا). این رفتار آن قدر مذموم و زشت است که خداوند در قرآن کریم آن را تعبیر به خوردن گوشت برادر مرده خود کرده است. وجود روحیه غیبت در جامعه باعث ایجاد جو فرهنگ بدبینی می‌شود. آثار عینی آن کاهش صداقت، محبت، منزلت و کرامت انسانی افراد می‌تواند باشد که نتیجه آن کاهش تعامل کلامی و رفتاری بین افراد جامعه است. غیبت از مؤلفه‌های زشت و ناپسند، یک نوع ترور شخصیتی و انسانی است که باعث بدبینی در میان افراد شده و پیوندهای اجتماعی را می‌گسلد.

خواهی که خوار نشوی هرگز به ذم کس نزن پیش کس نفس

ای صوفی برو لقمه خود گاز بزن کم پشت سر خلق خداساز بزن

### – ملازمت لذت و رنج

در مجموعه این نوشته‌ها اضداد و پارادوکس‌ها به نحوی زیبا و شورانگیز با هم آشتی داده شده‌اند. این اضداد نه تنها هم‌قربینه بلکه هم‌ریشه و هم‌تبارند. در نگرش مبتنی بر تلازم غم و شادی و به تعبیر قرآنی ملازمت عسر و یسر «إن مع العسر یسرا» متغیرها یا عواملی که تضمین‌کننده و تأمین‌کننده سازگاری و آرامش انسان هستند، وی را در برابر ناملازمات صیانت می‌کنند. شاید این نوشته‌ها به تنهایی معنا و مفهوم و بار فرهنگی چندان با ارزشی نداشته باشد اما وقتی تمام پاره‌های آن کنار هم قرار می‌گیرند، درس زندگی از میان این تضادها نمایان می‌شود. این نوشته‌ها و عبارات‌ها در عین سادگی و بی‌پیرایگی، عمیق، دلنشین، جذاب و تأثیرگذارند و چون از دل بر می‌آیند لاجرم بر دل می‌نشینند.

کس بی‌بلای خار نچیده گلی

زندگی جویباری است که از دهکده غم می‌گذرد

عمر گهی به هجر و گهی به سفر گذشت تاریخ زندگی همه در در دسر گذشت

کیه که غم نداره؟

زهوشیاران عالم هرکه را دیدم غمی دارد بزن بر طبل بی‌عاری که آن هم عالمی دارد

زندگی چون کوزه‌ای زرین است آب این کوزه گهی تلخ و گهی شیرین است

❖ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۵

این نیز بگذرد. امام شافعی چه زیبا مفهوم این عبارت را به سلک نظم در آورده است:  
ولا حزنٌ یدومٌ و لا سرور و لا بأسٌ علیک و لا رخاء (الهاشمی، ۱۳۴۱: ۶۶۵)

### – کینه‌توزی، خصومت و انتقام‌جویی

کینه‌توزی به معنای عداوت و خصومت دیگری در دل داشتن است. شخص کینه‌توز بدخواه، بداندیش، انتقامجو و تلافی‌کننده با بدی است و ایمان دارد که: خون را جز خون نمی‌شوید. چنین دیدگاهی مطمئناً تأثیر بسیار منفی بر روابط اشخاص گذاشته و سبب بی‌اعتمادی در جامعه می‌شود. این در صورتی است که لذت عفو بیشتر از انتقام است.

ز بیوفا به وفا انتقام باید کرد در عفو لذتیست که در انتقام نیست  
مروت نباشد بدی با کسی کزو نیکویی دیده باشی بسی

نکویی کن و از بدی شرم دار

نهال دشمنی بر کن ز رنج بی‌شمار آرد انتقام از خصم نگرستن صفای سینه است

ای که از کوچه معشوقه ما می‌گذری بر حذر باش که ما هم از کوچه معشوقه تو می‌گذریم.

### – شکوه از آشنایان و جفای روزگار

یکی از شاخصه‌های با بسامد بسیار بالا در این نوشته‌ها شکوه و گلایه صاحبان آن در خصوص جور و جفای دوستان و نزدیکان، ناملايمات زندگی و زمانه است. این نوشته‌ها گله و شکایت رانندگان از روزگار و فراز و فرودهای آن و اهل روزگار را حکایت می‌کند. تا جایی که عنان صبر از کف داده و لب به شکوه می‌گشایند که:

رنجور نفاق دوستانم!

به روز تنگدستی آشنا بیگانه می‌گردد

شیشه نزدیک‌تر از سنگ ندارد خویشی هر شکستی که به ما می‌رسد از خویشین است  
پیش از این مردم دنیا دلشان درد نداشت خودمانیم زمین این همه نامرد نداشت  
ما شقایق‌های باران خورده‌ایم سیلی ناحق فراوان خورده‌ایم

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۵

ساقه و احساس‌مان خشکیده است      ضربه‌ها از تیغ و طوفان خورده است  
 با خلق این زمانه سلام و والسلام  
 نیش دوست از نیش عقرب بدتر است      پس بزن عقرب که دردش کمتر است  
 به قول طرفه بن عبد شاعر جاهلی که معتقد است: ستم نزدیکان گزنده‌تر از ضربه  
 شمشیر تیز هندی است:  
 و ظلم ذوی القربی أشد مضاضة علی المرء من وقع الحسام المهند  
 ای روزگار با ما شدی ناسازگار!

### – معاشرت با بدان

بخش قابل ملاحظه‌ای از این اشعار در خصوص روابط انسانی توصیه‌های معاشرتی، آداب همجواری و همگرایی را تشکیل می‌دهد که می‌تواند از مؤلفه‌ها و شاخصه‌های روابط اجتماعی و ایجاد حس اعتماد باشد. اجتناب از معاشرت با افراد بد و پست تأمین‌کننده سعادت انسان بوده و رویکرد به معاشرت آنان نیز موجب بدنامی است. به قول امام شافعی:

احذر مؤاخاة اللئیم فإنه یُبدی القبیح و یُنکرُ المعروفا  
 إن الکریم و إن تَضَعَّحَ حاله فالخُلُقُ منه لا یزالُ شریفا (الهاشمی، ۱۳۴۱: ۷۱۹)

هر که با رسوا نشیند عاقبت رسوا شود  
 با بدان منشین که صحبت بد آدمیزاده را پلید کند  
 آفتاب به این بزرگی را لکه‌ای ابر ناپدید کند

پرتو نیکان نگیرد هر که بنیادش بد است

ز هم صحبت بد جدایی جدایی

نیکنامی خواهی ای دل با بدان صحبت مکن

نخست موعظه پیر صحبت این حرف است      از مصاحب ناجنس احتراز کنید

### – ناسپاسی

این اصطلاح به معنای ناشکری و کفران نعمت است. طبع انسان طوری است که وقتی در نعمت واقع شود، سپاسگزاری نمی‌کند و هنگام مصیبت و سختی، صبر و شکیبایی را از

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۵

دست می‌دهد. این صفت اخلاقی ناپسند در محیط جامعه نیز بروز می‌کند و می‌تواند از سوی هر انسانی آشکار شود. به گونه‌ای که زحمات و محبت‌های طرف مقابل را درک نکرده و یا برای آن اهمیتی قائل نشود. این برخورد به مرور زمان اختلال شدیدی در روابط میان افراد جامعه ایجاد می‌کند و باعث به وجود آمدن حس بی‌اعتمادی در میان اقشار جامعه می‌شود.

سگ حق‌شناس به از آدمیزاده ناسپاس  
حسن یوسف را حسد بردند مشتی ناسپاس  
زوال نعمت اندر ناسپاسی است  
دل از ناسپاسی پر از خون شود  
وفاداری کن و نعمت‌شناسی  
که بدفرجامی آرد ناسپاسی

### - ناسنجیده سخن گفتن

بدین معناست که شخص سخنان ناشایست و بیهوده و در غیر موضع و جایگاهش بیان کند که باعث بدنامی، رسوایی و بی‌آبرویی می‌شود؛ در نتیجه به اعتبار شخص لطمه وارد شده و سبب بی‌اعتمادی شده و انعکاس بد آن در جامعه خود را نشان خواهد داد. امام رضا علیه السلام چه زیبا فرموده است:

لسانک احفظه و صنّ نطقه و احذر علی نفسک من عثرته  
فالصمتُ زینٌ و وقارٌ و قد یؤتی علی الإنسان من لفظته  
من لزم الصمتَ نجا سالماً لا یندم المرء علی سکتته (همان، ص ۶۸۱)  
آنچه بی‌معنی است خود رسوا شود

چون نداری مایه از لاف سخن خاموش باش  
پسته بی‌مغز چون لب وا کند رسوا شود  
ز نا گفته پشیمان نشوی  
بس پشیمان شوی از گفته خویش

### - نامردی، نمک‌نشناسی و بی‌معرفتی

در امر تبیین ارتباط انسان با هموعانش که از مسائل مهم در شناخت انسان است، باید باور داشت که انسان موجودی اجتماعی است و زندگی او ماهیت اجتماعی دارد که ناگزیر باید

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۵

زندگی اجتماعی را بپذیرد و برای رفع نیازهای خود و در جهت همبستگی واقعی بین انسان‌ها با دیگران زندگی کند. از امکانات متنوع هم‌نوعان بهره‌مند شده و در رفع نیازهای دیگران برای استفاده بهتر و کارآمدتر از مواهب آفرینش تا حد توان بکوشد. «من أصبح و لم یهتم بأمور المسلمین فلیس بمسلم». این همان شعار مکتب اسلام است که مورد تأیید تمام دانشمندان علم جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و حتی اخلاق نیز قرار گرفته است؛ چرا که در آن توجه جدی به دیگران و رفع نیازهای آنان است. افراد جامعه برای ایجاد حس اعتماد میان یکدیگر لطف و مردانگی را که دیگران در حقشان دارند، متقابلاً پاسخ گویند.

بار حملان به دوش خود کشیدن ننگ نیست      زیر بار منت نامرد رفتن مشکل است  
هر که بشناسد نمک کافی است انگشتی نمک      کی شناسد گر خورد نامرد انباری نمک؟  
الهی در تب فقرم بسوزان      ولی محتاج نامردان مگردان

من نمی‌گویم مرا ای چرخ سرگردان مکن هر چه می‌خواهی بکن محتاج نامردان مکن!  
در وجود نامردان و ناکسان دهر امید خیری نباید داشت و اگر اظهار ناله و دردمندی کنند به قصد فریفتن و ایجاد ارتباط با دیدی سودجویانه است.

رسم کرم مجوز بخیلان روزگار      از ناکسان دهر امید وفا مدار

تا توانی التماس از کس مکن خاصه از ناکس که آن عین خطاست

در بیابان‌ها اگر صد سال سرگردان شوی      بهتر است تا در وطن محتاج نامردان شوی  
این شاخصه با معرفت و شناخت که ثمره عقل و خردگرایی است، حاصل شده و باعث می‌شود شخص خود و اطرافش را بهتر بشناسد؛ در نتیجه سرشار از میوه شجاعت، مروت و غیرت خواهد شد و در غیر این صورت به نامردی، بزدلی و بی‌مروتی متهم می‌شود که از منظر این نوشته‌ها بسیار نکوهیده است.

اگر غیرت بری با درد باشی      وگر بی‌غیرتی نامرد باشی

علم بهتر است یا ثروت؟، هیچ‌کدام فقط ذره‌ای معرفت

گوهر معرفت آموز که با خود ببری

معرفت در گرانی‌ست به هر کس ندهند

پر طاووس قشنگ است به کرکس ندهندش

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۵

## نتیجه

پرداختن به مسائل اجتماعی با رویکرد جامعه‌شناختی و روانکاوانه از موضوعات مهمی است که انسان باید نگاهش را معطوف به آن و آسیب‌شناسی این پدیده‌ها بکند. دغدغه تنزل روابط اجتماعی که منجر به بی‌اعتمادی در میان افراد جامعه می‌شود از جمله موضوعاتی است که به کرات مورد بحث قرار گرفته است. آنچه باید مورد توجه قرار گیرد این است که از کارکرد اجتماعی ادبیات و همچنین نقش و جایگاهی که آن در میان لایه‌های مختلف اجتماع دارد، غافل نماند؛ چرا که حکایت از پیوندی گسست‌ناپذیر با زندگی روزمره بشر دارد.

در پایان و به عنوان جمع‌بندی مطالب طرح شده می‌توان گفت با توجه به این که جامعه ما با آسیب‌ها و خطرات اجتماعی مانند احساس ناامنی اجتماعی، میزان بروز جرایم در جامعه و میزان آسیب‌زایی این جرایم، احساس بی‌عدالتی اجتماعی، پرخاشگری و پیچیدگی نهادها و افزایش ابهام، نا شناختگی، و غریبه بودن نسبت به محیط اجتماعی هستیم، ضرورت توجه به اعتماد اجتماعی و نقش آن در حیات اجتماعی به واقعیتی جدی تبدیل شده است. واقعیتی که در دل نوشته‌های قشر خاصی از افراد به ظاهر بی‌سواد و در عین حال زحمتکش جامعه، متبلور شده است. در چنین شرایطی اعتمادسازی اجتماعی می‌تواند به عنوان دارویی شفابخش برای درمان بسیاری از بیماری‌های اجتماعی عمل کند و ما را در جهت به سلامت پشت سر گذاشتن دوران گذری که در آن به سر می‌بریم کمک نموده، آینده را به کام ما دگرگون نماید.

از لابلای خودرو نوشته‌ها می‌توان گنجینه با ارزش و گرانبگی از گوهرهای آبدار الفاظ و معانی، حکمت و فلسفه، پند و اندرز استخراج نمود و برای نسل‌های بعد از خود همچون میراثی گرانبها به یادگار گذاشت. در این نوشته‌ها می‌توان هدایت انسان‌ها، رشد اخلاقی آنها و کمال‌گرایی انسان‌ها را جستجو نمود.

دقت نظر در پیام‌ها و محتوای پرنغز این تراوشات ذهنی و اشعار حکیمانه برگرفته شده از ادبیات غنی کشورمان سرشار از احساس و اندیشه در صورت دقت و توجه به آن قلب آدمی را جلا و صفا داده و روح را از بند تن خاکی آزاد می‌نماید؛ چرا که عزت نفس، آزادگی و جوانمردی، تواضع و فروتنی، صبر و بردباری، خودداری از خوی‌های زشت و ناپسند، پرهیز از معاشرت با ناکسان و فرومایگان، قناعت پیشگی، راستی و درستکاری، ظلم ستیزی و غیره که

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۵

از سجایای اخلاقی به شمار می‌آیند را ترویج می‌کنند. و به انسان کمک می‌کند تا با آموختن شیوه تفکر احساس و عمل که دارای ارزش اجتماعی است، بیدارگری و دگرگونی ارزشمندی در او صورت گرفته و عضو مفید و مؤثری در اجتماع گردد.

انسان‌ها در جامعه مبتنی بر اعتماد چون حلقه زنجیری به هم پیوسته و دارای صفات صداقت، وفاداری، دگرخواهی، صمیمیت، مشارکت، آگاهی و همیاری هستند. این اشعار انسان‌ها را به احراز این ویژگی‌ها فراخوانده‌اند. این فرهنگ به عنوان سرمایه‌ای قابل توجه و به منزله آخرین و متکامل‌ترین وسیله ایجاد امنیت و تداوم زندگی است. بنابراین بجاست که این آسب‌ها از طرف مسئولان و صاحب‌نظران بررسی گردد و راه‌های رفع آن مطرح شود. مسلماً آنچه در این مجال اندک بیان گردید، دربرگیرنده همه موارد نمی‌باشد؛ فقط بیانگر اندیشه و فکر قشر خاصی از افراد جامعه می‌باشند که خوشبختانه مخاطبان آنها نیز کم نیستند.

### منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آنی‌زاده، علی. «ناملی در ادبیات جاده‌ای». مجله شعر، شماره ۴۸، سال چهاردهم، تابستان ۸۵، ص ۱۰۱.
- ۲- أبو ماضی، إلیلیا. دیوان. ط ۱، دار الصادر، بیروت - لبنان.
- ۳- باوندسوادکوهی، احمد. ادبیات جاده‌ای. انتشارات وارث، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- ۴- الجوهری، محمد. علم الفولکلور. دراسة المعتقدات الشعبیة، دار المعرفة الجامعیة، الإسكندیة: ۱۹۸۸م.
- ۵- حمیدی، سیدجعفر. ماشین نوشته‌ها. شعرهای بلاگردان در باور رهنوردان بیدار، تهران: انتشارات نسل دانش، ۱۳۶۹هـ.
- ۵- دهخدا، لغت‌نامه دهخدا.
- ۶- ریچاردز، روانکاوای فرهنگ عامه، ترجمه حسین پاینده: تهران: طرح نو، ۱۳۸۲ هـ.
- ۷- الشیبی، کامل مصطفی. الأدب الشعبی مفهومه وخصائصه. تاریخ التسجيل، Jun 2006.
- ۸- الهاشمی، أحمد. جواهر الأدب فی ادبیات و إنشاء لغة العرب. الطبعة الثالثة عشرة (۱۳۴۱هـ - ۱۹۲۳م)، مطبعة المقتطف والمقطم بمصر.

9- Dasgupta, Partha (2000). *Trust as a Commodity*. in Gambetta, Diego (ed.) Trust:

❖ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۵



Making and Breaking Cooperative Relations, electronic edition, Department of Sociology, University of Oxford, chapter 4, pp. 32.

10- J. M Barbalet. *Social emotions: confidence, trust and loyalty*. International Journal of Sociology and Social Policy, Vol. 16, No. 9, 1996.

11- A. Seligman, The problem of Trust. *Princeton, New Jersey: Princeton University*. Press 1998.

12- Calvert Watkins (ed.). *The American Heritage Dictionary of Indo – European Roots*. second edition (Houghton Mifflin, 2000

13- Georges, Robert A., Michael Owens Jones. *Folkloristics: An Introduction*. pp. 313 Indiana University Press, 1995.

14- <http://en.wikipedia.org/wiki/Folk>

Archive of SID